

## بررسی چالش ها و فرصت های همکاری مدارس ابتدایی با خانواده دانش آموزان

### بهمن سالارزهی

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مطهری، زاهدان، ایران

### فاطمه زهرا سالارزائی

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس رسالت، زاهدان، ایران

### مهدی سالارزهی

دانش آموخته ی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مطهری، زاهدان، ایران

### محمدعلی پیرکمالی

دکترای تخصصی برنامه ریزی درسی، گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

### چکیده

در مدارس ابتدایی، چالش ها و فرصت های زیادی در همکاری با خانواده های دانش آموزان وجود دارد. بررسی این چالش ها و فرصت ها نیازمند تحقیق و بررسی است. در این تحقیق، هدف اصلی بررسی عواملی است که در رابطه بین مدارس و خانواده ها تأثیرگذار هستند و چالش ها و فرصت های مرتبط با آنها را شناسایی کرد. این همکاری از جهات متعددی می تواند بهبود یادگیری و توسعه فردی کودکان را تسهیل کند و روند آموزشی دانش آموزان را رو به پیشرفت سوق دهد. یکی از چالش ها می تواند درک صحیح از نقش والدین و خانواده در فرایند آموزش و تربیت باشد. علاوه بر این، ایجاد ارتباط مستمر و کارآمد با والدین و خانواده ها نیازمند هماهنگی و همکاری فعال از سوی مدرسه است. برخی از فرصت های همکاری نیز شامل ارائه اطلاعات در مورد برنامه های آموزشی و تربیتی، رویدادهای مشترک، ارتباط مداوم، دعوت از والدین به مشارکت و... باشد. این همکاری در نهایت می تواند باعث افزایش تعامل بین مدرسه و خانواده ها، بهبود روابط خانوادگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان شود.

**واژگان کلیدی:** چالش، فرصت، مدارس ابتدایی، همکاری، خانواده

## مقدمه

وزارت آموزش و پرورش به عنوان تعالی بخش جامعه اسلامی و متولی فرایند تعلیم و تربیت آینده فرد و جامعه را در دوره کودکی که زمان شکل گیری شخصیت و ایجاد عادات مختلف است با مشارکت خانواده ها بنا می نهد و مسیر حرکت کشور را مشخص می سازد.

هدف نهایی از تعلیم و تربیت کودکان که سرمایه های ارزشمند و آینده سازان جامعه هستند؛ دستیابی به آموزه های علمی، مکارم و سجایای اخلاقی تزکیه و حرکت در صراط مستقیم در جهت وصول به مقام بندگی خداوند متعال با استفاده از زمینه های فطری انسان است. دو رکن مهم و اساسی این پیشرفت و تعالی کانون های با صفا و با هدف خانواده و مدرسه هستند. کودک در اولین گام ورود به اجتماع و زندگی جمعی گام به مدرسه می گذارد و رشد شخصیتی و فکری او که در خانه شکل گرفته در مدرسه تکمیل شده و قوام می یابد. به درستی که نقش مدرسه در تربیت کودک بسیار حیاتی است و به همین دلیل است که باید اولیا و معلمان در پرورش کودک یکدیگر را یاری رسانند. توجه به مسائل و مشکلات کودکان باعث پیشرفت جامعه و غفلت در رفع مشکلات آنان خسارتی جبران ناپذیر به بار می آورد. ضرورت توجه به رشد شخصیت انسان ها و اهمیت پرورش جسم و روح دانش آموزان موجب شده است که این مسأله مهم به عنوان یکی از کارکردهای اساسی نظام آموزش و پرورش به حساب آید. اولیای دانش آموزان نیز باید بدانند که یک عضو از سیستم آموزش و پرورش هستند که مبادرت به تربیت جوانان نموده پس باید به شناخت جامعی از جایگاه خود در این سیستم برسند (تقی زاده، ۱۳۹۵).

با خوش آمدگویی و همکاری مدارس ابتدایی با خانواده دانش آموزان، چالش ها و فرصت های جالبی پدید می آید. از جمله چالش ها می توان به عدم هماهنگی بین برنامه های آموزشی خانواده و مدرسه، کمبود زمان متمایز برای تعاملات آموزشی فراخور از ساعت کاری و مسئولیت های روزمره خانواده اشاره کرد. اما فرصت های همکاری نیز بسیار زیادند. با همراهی خانواده، توانایی های آنان رشد و تقویت می شود. از طریق ارائه اطلاعات در مورد برنامه های آموزشی و پیشرفت ها، خانواده ها می توانند در فرایند آموزشی فعالیت کنند و از نزدیک رشد فرزندان خود را مشاهده کنند. همچنین، همکاری با خانواده ها در طراحی فضای آموزشی مناسب در منزل می تواند راهی برای بهبود فرایند یادگیری باشد. با اشتراک گذاری دانش از سوی خانواده ها، می توان برنامه های آموزشی جذاب و متناسب با نیازهای دانش آموزان را طراحی کرد. علاوه براین، ارتباط مداوم با خانواده ها می تواند کانالی برای تبادل اطلاعات و نیز حل مسائل و اختلافات موجود باشد. از طریق ارسال پیام، برگزاری جلسات و یا ملاقات های مستقیم، می توان همکاری و هماهنگی را تقویت کرد (Harris et al, 2012).

استقرار یک همکاری مؤثر و مثبت بین مدارس ابتدایی و خانواده های دانش آموزان چالش ها و فرصت های منحصر به فرد خود را به همراه دارد. درک عمیقی از مقدمه این چالش ها و فرصت ها، می تواند در برقراری ارتباط مؤثر و پایدار بین این دو طرف مؤثر باشد. به طور کلی، چالش ها و فرصت های همکاری مدارس ابتدایی با خانواده دانش آموزان در دو دیدگاه مهم قابل بررسی است: دیدگاه چالش ها:

-عدم هماهنگی بین برنامه های آموزشی خانواده و مدرسه می تواند مانعی در رشد و یادگیری هماهنگ دانش آموز شود.  
-کمبود زمان ورودی برای تعاملات آموزشی میان مدرسه و خانواده، به دلیل فشارهای روزمره و مسئولیت های دیگر خانوادگی، می تواند گسترش همکاری را محدود کند.

-نوآوری در راه های ارتباطی و ارتباط مداوم با خانواده ها ممکن است چالش های فنی و زمانی را به همراه داشته باشد (Cibulka and Kritek, 1996).

دیدگاه فرصت ها:

-همکاری مدارس با خانواده ها قدرت عظیمی در تقویت توانمندی های دانش آموز دارد و می تواند رشد و پیشرفت آنها را تسریع کند.

-ارائه اطلاعات به خانواده ها در مورد برنامه های آموزشی و پیشرفت های دانش آموز، از طریق نشریات، جلسات و یا ارتباط مستقیم، می تواند تعاملات مؤثری را فراهم آورد.

-همکاری با خانواده ها برای طراحی فضای آموزشی مناسب در منزل، بهبود فرایند یادگیری و تقویت دلبستگی خانواده به آموزش می تواند موثر باشد.

-ارتباط مستقیم و مداوم با خانواده ها می تواند فرصتی برای تبادل اطلاعات، حل مسائل و ایجاد هماهنگی بین دو طرف فراهم آورد.

در نهایت، همکاری مدارس ابتدایی با خانواده دانش آموزان می تواند زمینه مناسبی برای رشد و پیشرفت دانش آموزان فراهم سازد. با همکاری و حمایت همراهان اصلی آنان، دستاوردهای بزرگی قابل دست یابی است (Christenson, 2004).

### عوامل موثر بر روابط مدرسه و خانواده

عوامل موثر بر روابط بین مدرسه و خانواده می توانند شامل موارد زیر باشند:

۱. ارتباط فعال و سازنده بین والدین و معلمان: ارتباط فعال و سازنده بین والدین و معلمان به معنای همکاری و تعامل مستمر بین این دو گروه است. این نوع ارتباط برای تقویت روابط بین مدرسه و خانواده و ایجاد یک محیط حمایت کننده برای دانش آموزان بسیار مؤثر است.

والدین و معلمان می توانند از روش های زیر برای برقراری ارتباط فعال و سازنده استفاده کنند:

- جلسات ارتباط با والدین: برگزاری جلسات منظم بین معلمان و والدین، به عنوان فرصتی برای بحث در مورد پیشرفت تحصیلی دانش آموز و مسائل دیگر مرتبط با آموزش و پرورش است.

- ارتباط مکتوب: ارسال نامه ها، ایمیل ها یا پیام های متنی بین معلمان و والدین، که شامل اطلاعات و توصیه های مرتبط با رشد و تحصیلی دانش آموز است، راهی مناسب برای برقراری ارتباط فعال است.

- ملاقات های انفرادی: نیاز به بحث در مورد موضوعات خاص در مورد دانش آموزان، می تواند به ترتیب قرار ملاقات های انفرادی بین معلمان و والدین منجر شود.

- شرکت در رویدادهای مدرسه: همکاری والدین در فعالیتهای و رویدادهای مدرسه مانند جشن ها، نمایشگاه ها و ورزش ها، فرصتی عالی برای برقراری ارتباط با معلمان و سایر والدین است.

- همکاری در حل مسائل: معلمان و والدین می توانند با همکاری در حل مسائل و رفع اشکالات مرتبط با تحصیل و رفتار دانش آموز، رابطه موثرتری را برقرار کنند.

توجه و احترام به نقاط نظر و الزامات هر یک از طرفین، در ساختن ارتباط فعال و سازنده بین والدین و معلمان بسیار مهم است (Harris et al, 2012).

۲. اطلاع رسانی مداوم: تاثیر اطلاع رسانی مداوم بر روابط بین خانواده و مدرسه بسیار مهم و موثر است. ارتباط و اطلاع رسانی فعال و مداوم با خانواده ها، دو طرف را به طور مستقیم در نظر گرفته و تعامل بین آنها را تسهیل می کند. برخی از تاثیرات اطلاع رسانی مداوم بر روابط بین خانواده و مدرسه عبارتند از:
- ارتباط باز: اطلاع رسانی مداوم باعث می شود خانواده ها احساس کنند که در جریان مسائل مدرسه و تحصیلات فرزندانشان هستند. آنها می توانند از فعالیت ها، برنامه ها، رویدادها و پیشرفت تحصیلی فرزندانشان مطلع شوند. این ارتباط باز باعث افزایش درک و تعامل بین خانواده و مدرسه می شود.
  - حمایت موثر: با اطلاعات مناسب در مورد برنامه ها و سیستم آموزشی مدرسه، خانواده ها می توانند بهترین حمایت را از فرزندان خود ارائه دهند. اطلاع رسانی مداوم باعث می شود که خانواده ها با نیازها، تحولات و اولویتهای مدرسه آشنا شوند و به طور موثر در ارائه حمایت و همکاری با مدرسه و معلمان دخالت کنند.
  - شفافیت و مشارکت: اعمال اطلاع رسانی مداوم باعث شفافیت در راهبردها و تصمیم گیری های مدرسه می شود. خانواده ها در جریان اهداف، سیاست ها و فعالیت های مدرسه قرار می گیرند و برای مشارکت فعال در تصمیم گیری ها به ایجاد فرصتی برای صداقت و تبادل نظر اطمینان پیدا می کنند.
  - حل مسائل بهتر: اطلاع رسانی مداوم به خانواده ها امکان می دهد تا مسائل و نگرانی هایشان را به مدرسه ارائه دهند و در جستجوی راه حل های بهتر و همکاری در آنها با مدرسه باشند. این باعث می شود مشکلات سریع تر شناسایی و حل شوند (Epstein and Sanders, 2002).
۳. مشارکت والدین در زندگی تحصیلی: مشارکت والدین در زندگی تحصیلی فرزندان یک عامل بسیار مهم و مؤثر به منظور پیشرفت تحصیلی و رشد شخصی آنها است. والدین می توانند از روش های زیر برای مشارکت موثر در زندگی تحصیلی فرزندانشان استفاده کنند:
- تعامل با معلمان: برقراری ارتباط و همکاری با معلمان در مورد تحصیلات و پیشرفت تحصیلی فرزندان، می تواند اطلاعات ارزشمندی را فراهم کند. والدین می توانند در جلسات والدین و معلمان شرکت کنند و به نظرات و به پیشنهادات معلمان گوش فرا دهند.
  - پیگیری تکالیف و تمرین ها: والدین بایستی از فرزندان خود بخواهند تا تکالیف و تمرین ها را به موقع انجام دهند. آنها می توانند زمانی را برای مکالمه و بررسی تکالیف با فرزندشان در نظر بگیرند.
  - ارائه حمایت و تشویق: والدین بایستی به فرزندشان بازخورد مثبت بدهند و آنها را تشویق کنند. نشان دادن علاقه و اهتمام به تحصیلاتشان، اعتماد به نفس آنها را افزایش می دهد.
  - شرکت در فعالیت های آموزشی: شرکت در رویدادها و فعالیت های آموزشی مدرسه بسیار مفید و موثر می باشند. این فرصت خوبی است تا با فعالیت های تحصیلی و همچنین با معلمان و سایر دانش آموزان آشنا شوند.
  - ارائه محیط فراگیر در خانه: در خانه، محیطی آماده کنند که برای تحصیل فرزندشان مناسب باشد. می توانند یک مکان آرام برای مطالعه تعیین کنند و از ابزارهای آموزشی مناسب استفاده کنند.

- حضور فعال در جامعه مدرسه: در جوامع مدرسه شرکت کنند و در انجام فعالیتها و پروژههای مدرسه فرزندشان دست داشته باشند. به عنوان مثال، می توانند در اجرای رویدادها و نمایشگاههای مدرسه مشارکت کنند.

مشارکت والدین در زندگی تحصیلی، نه تنها باعث پیشرفت تحصیلی فرزندان می شود، بلکه ارتباط نزدیک تر و مثبت تری بین والدین و فرزندانشان را نیز ایجاد می کند (Pianta et al, 2001).

۴. اعتماد متقابل: تاثیر اعتماد متقابل بین معلمان و خانوادهها بر روابط بین مدرسه و خانواده بسیار مهم و قابل توجه است. به طور کلی، وجود اعتماد متقابل میان دو طرف، بهبود روند ارتباطی و همکاری میان مدرسه و خانوادهها را تسهیل می کند و تاثیرات مثبت زیادی دارد. برخی از تاثیرات اعتماد متقابل بین معلمان و خانوادهها عبارتند از:

- ارتقاء همکاری: وجود اعتماد متقابل، همکاری و هماهنگی بین معلمان و خانوادهها را تسهیل می کند. زمانی که خانوادهها مطمئن هستند که معلمان به خوبی از فرزندانشان مراقبت می کنند و معلمان نیز به اعتماد خانوادهها در مورد روشهای آموزش و پرورش توجه می کنند، هماهنگی و همکاری بین دو طرف بهبود می یابد.

- درک عمیق تر: اعتماد متقابل باعث می شود معلمان و خانوادهها یکدیگر را به طور عمیق تری درک کنند. وقتی که اعتماد وجود داشته باشد، معلمان بهتر می توانند نیازها و توقعات خانوادهها را درک کنند و خانوادهها نیز بهتر می توانند رویکردها و روشهای آموزشی معلمان را قبول کنند.

- اشتراک اطلاعات: اعتماد متقابل باعث می شود معلمان و خانوادهها بتوانند اطلاعات و اطلاعات مرتبط را به طور باز و صادقانه به اشتراک بگذارند. این به معلمان کمک می کند تا از وضعیت و نیازهای دانش آموزان بهتر آگاهی پیدا کنند و به خانوادهها اجازه می دهد تا مشکلات و نگرانیهای خود را با معلمان در میان بگذارند.

- حمایت از رشد دانش آموز: اعتماد متقابل باعث می شود خانوادهها احساس کنند که معلمان به دلیل حسن نیت و اعتماد، بهترین تلاش خود را برای رشد و پیشرفت دانش آموزان می کنند و این باعث می شود که خانوادهها نیز معلمان را در پشتیبانی از توانمندیهای فرزندانشان مورد اعتماد قرار دهند.

این روابط متقابل بین مدرسه و خانواده، بهبود کیفیت آموزش و پرورش، کاهش نارضایتی و افزایش رشد دانش آموزان در محیط تحصیلی را تسهیل می کند. بنابراین، توسعه اعتماد متقابل بین معلمان و خانوادهها برای هر دو طرف بسیار حائز اهمیت است (Ames et al, 1995).

۵. حمایت از توانمندیهای خانواده: حمایت مدرسه از توانمندیهای خانوادههای دانش آموزان یک عامل بسیار مهم برای پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانش آموزان است. این حمایت می تواند به صورت های زیر صورت پذیرد:

- تشویق و تقویت توانمندی‌ها: مدارس باید توانمندی‌ها و استعداد‌های دانش‌آموزان را شناسایی و تشویق کنند. این شامل برگزاری برنامه‌ها و رویدادهایی مانند رقابت‌های علمی، هنری و ورزشی، ایجاد کلاس‌های تقویت استعدادها و همچنین ارائه فرصت‌های پروژه‌محور است.
- ارتباط مداوم با خانواده‌ها: مدارس باید ارتباط مستمر و باز میان خود و خانواده‌های دانش‌آموزان را حفظ کنند. این شامل برگزاری جلسات والدین-معلمان منظم، ارائه گزارش‌های تحصیلی منظم، استفاده از ابزارهای ارتباطی مانند پیامک و ایمیل و برگزاری رویدادهایی مانند میزگرد خانواده است.
- ارائه منابع و راهنمایی: مدارس باید منابع و راهنمایی‌های لازم را به خانواده‌های دانش‌آموزان ارائه کنند. این شامل اطلاع‌رسانی در مورد منابع آموزشی، کتابخانه مدرسه، منابع آنلاین و نیز مشاوره تحصیلی و حرفه‌ای برای دانش‌آموزان و خانواده‌ها است.

- همکاری در رفع موانع: مدارس باید در رفع موانعی که ممکن است برای خانواده‌ها به وجود آید، همکاری کنند. این شامل ارائه اطلاعات و راهنمایی در مورد برنامه‌های حمایت مالی، کمک به دستیابی به خدمات حمایتی مرتبط با سلامت و رفاه خانواده‌ها است.
- ارتباط با جوامع محلی: مدارس می‌توانند با برقراری ارتباط با جوامع محلی، دسترسی دانش‌آموزان به منابع و فرصت‌های خارج از محیط تحصیلی را ارتقاء دهند. این شامل برقراری همکاری با مؤسسات فرهنگی، علمی و تجاری، مشارکت در برنامه‌ها و رویدادهای محلی و دعوت از نخبگان و کارآفرینان موفق به مدرسه است.
- حمایت مدرسه از توانمندی‌های خانواده‌ها باعث رشد و پیشرفت بیشتر دانش‌آموزان می‌شود و رابطه اثربخشی بین مدرسه، خانواده و دانش‌آموز را تقویت می‌کند (Broussard, 2003).

### عزت نفس دانش‌آموزان در سایه حمایت مدارس و اولیا

در اینکه یک معلم خوب میتواند تغییرات چشمگیری در تربیت دانش‌آموزان ایجاد کند شکی نیست ولی مطالعه‌های اندیشمندان حوزه تعلیم و تربیت نشان میدهند که فقط معلم خوب عامل موفقیت دانش‌آموزان نیست آنچه سیستم تعلیم و تربیت علاوه بر معلمان خوب به آن نیاز دارد، والدین خوب است. والدینی که عنایت شایسته‌ای به یادگیری فرزندانشان داشته باشند و در حقیقت اینها هستند که به همراه معلم از عوامل مهم پیشرفت دانش‌آموزان به شمار می‌روند. به عبارتی والدین خوب کارایی یک معلم خوب را بیشتر میکند. زمانی که کودک مدرسه را آغاز میکند علاوه بر اولیا تحت تأثیر نگرش و رفتار معلم و همسالان خود قرار می‌گیرد. تجربه‌های مدرسه ممکن است در تکمیل و ارتقای عزت نفس و یا برعکس در کاهش و تخریب آن نقشی مهم داشته باشد. هنگامی که کودک در مدرسه دچار مشکلات درسی می‌شود، اگر به زودی اقدامات لازم برای تشخیص مشکل و حمایت از او برای رفع کمبودها انجام نگیرد واکنش احتمالی او اتخاذ تصمیم‌هایی همچون امتناع از انجام تکالیف محوله، فرار از یادگیری، غیبت از کلاس درس، بی‌اعتنایی و بی‌زاری از تحصیل خواهد بود. حال اگر اولیا هم در تداوم رفتارهای منفی در مدرسه به سرزنش و مقایسه کودک با سایر همسالان کودک بپردازند و او را تحقیر یا تنبیه کند، بی‌زاری از درس و مدرسه ممکن است به ایجاد احساس خود کم‌بینی و بی‌کفایتی در او منجر شود و انگیزه هرگونه تلاش برای جبران کمبودها و حرکت در مسیر رشد و پیشرفت را در او خاموش کند. قطعاً اتخاذ چنین رفتارهایی ممکن است تقدیری غمبار برای کودک رقم بزند. بنابراین پیشنهاد می‌شود زمانی که کودک دچار

ناکامی های پی در پی تحصیلی می شود لازم است که اولیا و مسئولین مدارس هر چه سریع تر به یاری او بشتابند. اما در عین حال باید فرصت هایی در اختیار او نیز قرار داد تا بتواند ارزش های خود را در همه فعالیت ها بازیابد. اولیا باید سعی کنند که همیشه آن شخصیت درونی و ژرف فرزند خود را عزیز بدانند و با آن به بزرگی و شکوه برخورد کنند تا فرزندان با کرامتی که در شخصیت خود احساس میکنند شجاعت آن را بیابند که برای شرکت در هر آزمون دشواری تمام تلاش و توان خود را به کار ببندد و به موفقیت برسد (شفیع آبادی، ۱۳۷۵).

### چالش های تعامل بین اولیا و مدارس

چالش های همکاری مدارس با خانواده های دانش آموزان می تواند متنوع باشد. در ادامه، برخی از این چالش ها را مطرح می کنیم:

- کمبود زمان: خانواده ها و معلمان هر دو درگیر برنامه های پرکاری هستند و این کمبود زمان ممکن است مانعی برای همکاری موثر با یکدیگر شود.

- اختلاف در نگرش ها و ارزش ها: خانواده ها و مدارس ممکن است دارای ارزش ها و نگرش های مختلفی باشند. این اختلافها ممکن است به مانع همکاری و تعامل سازنده بین دو طرف تبدیل شود.
- نداشتن اطلاعات کافی: خانواده ها ممکن است در مورد فعالیت ها، برنامه ها و سیستم آموزشی مدرسه اطلاعات کافی نداشته باشند. این می تواند باعث ایجاد ابهامات و عدم شناخت صحیح از نیازهای دانش آموزان شود و در نتیجه همکاری موثر بین مدرسه و خانواده را متاثر کند.
- مشکلات ارتباطی: مشکلات در ارتباط و ارتباط نامطلوب میان خانواده ها و مدارس می تواند چالش هایی را در همکاری ایجاد کند. این ممکن است ناشی از سوء تفاهم، کمبود ارتباط مستقیم، یا ناتوانی در برقراری ارتباط مؤثر باشد.
- فاصله مکانی: در برخی موارد، فاصله مکانی میان خانه و مدرسه می تواند به چالش همکاری تبدیل شود. این ممکن است باعث کاهش فرصت های ملاقات مستقیم و ارتباط مستمر بین دو طرف شود (Chavkin, 2005).
- برای مدیریت این چالش ها و ایجاد همکاری مثبت، لازم است تلاش برای ایجاد فضای باز و مناسب برای ارتباط با خانواده ها صورت گیرد. استفاده از وسایل ارتباطی مدرن مانند ایمیل، پلتفرم های آنلاین و اپلیکیشن های موبایل می تواند بهبود سطح ارتباطات و همکاری را تسهیل کند. همچنین، برگزاری جلسات منظم، دوره های آموزشی و تبلیغ و اطلاع رسانی منظم نیز می تواند در فرآیند همکاری با خانواده ها مؤثر باشد (Matjasko and Lohman, 2010).

### فرصت های تعامل بین اولیا و مدارس

فرصت های همکاری مدارس با خانواده های دانش آموزان می تواند بسیار مفید و سازنده باشد. در ادامه، برخی از این فرصت ها را بیان می کنم:



- جلسات والدین: برگزاری جلسات والدین منظم، فرصتی است برای مدرسه و خانواده آشنایی بیشتر با یکدیگر و بحث و گفتگو در مورد پیشرفت تحصیلی و رفتاری دانش آموز. این فرصت ممکن است به تبادل اطلاعات و نظرات بین دو طرف و درک بهتر از توانایی‌ها و نیازهای دانش آموزان منجر شود.
- هم‌رده‌یابی (مناسبتین هم رده‌بازی): این فرصت به خانواده‌ها اجازه می‌دهد تا به صورت مستقیم با دیگر والدین با اطلاعات مرتبط با مدرسه و تجربیات خود به اشتراک بگذارند. این معمولاً از طریق رویدادها و انجمن‌های برگزار شده توسط مدرسه میسر می‌شود.
- دوره‌های آموزشی برای والدین: برگزاری دوره‌های آموزشی برای والدین در موضوعاتی مانند روش‌های تربیتی، مهارت‌های ارتباطی، سلامت روانی و تغذیه می‌تواند به خانواده‌ها کمک کند تا به عنوان شریکان قدرتمند در آموزش و پرورش فعالیت کنند.
- ایجاد پلتفرم‌های آنلاین: استفاده از پلتفرم‌ها و سیستم‌های آنلاین مثل پرتال‌های والدین و اپلیکیشن‌های موبایل می‌تواند فرصتی ایجاد کند تا ارتباط و همکاری بین مدرسه و خانواده‌ها بهبود یابد. این پلتفرم‌ها می‌توانند امکان مشاهده نمرات و موفقیت‌های تحصیلی، اطلاعیه‌ها، برنامه‌ها و رویدادها را فراهم کنند.
- مشارکت در رویدادها و پروژه‌های مدرسه: دعوت خانواده‌ها به شرکت در رویدادها، پروژه‌ها و فعالیت‌های مدرسه نقش مهمی در همکاری دانش آموز، خانواده و مدرسه دارد. این فرصت به والدین اجازه می‌دهد تا به شناخت بیشتر از فعالیت‌ها، محیط آموزشی و دیگر دانش آموزان بپردازند.

توجه به این فرصت‌ها و ایجاد یک فضای باز و مبتنی بر همکاری و تعامل با خانواده‌ها می‌تواند روابط مثبت و مؤثر بین مدرسه و خانواده‌های دانش آموزان را تقویت کند و منجر به پیشرفت و پشتیبانی بهتر از دانش آموزان شود (Matjasko and Lohman, 2010).

#### نحوه برخورد مناسب اولیا با مشکلات فرزندانشان در مدرسه

ارتباط با مدرسه و همکاری با مسئولین و معلمان برای عده ای از اولیا خوشایند و امیدوار کننده و برای بعضی نیز آسان نیست. به ویژه زمانی که از فرزندشان رفتارهایی سر می زند که خلاف انتظارات مدرسه است و مکاتبات و یا تماس های مسئولین مدرسه نشان از نارضایتی از وضعیت درسی و یا رفتاری دانش آموز دارد. توصیه های زیر در زمینه ی انتخاب واکنش منطقی در زمانی که تماس های مدرسه با خانه در ارتباط با رفتارهای نامناسب فرزند آنان است، می تواند در آرامش و کاهش نا امیدی اولیا مفید باشد. اولیا وقتی که مطلع می شوند که فرزندشان در مدرسه رفتار نامناسبی از جمله درگیری با دانش آموزان دیگر داشته است، باید آرامش خود را حفظ و قبل از هر چیز سعی کنند به دلایل این ماجرا پی ببرند. بعضی از دانش آموزان هنگامی که احساس میکنند از نظر درسی از همسالان خود عقب مانده اند و یا درس ها را به خوبی نمی فهمند دچار احساس ناکامی و بی حوصلگی میشوند. این حالت ممکن است به بروز رفتارهایی غیر قابل انتظار نظیر درگیری با دیگر دانش آموزان یا تخلف از قوانین مدرسه منجر شود. بروز تخلف و رفتارهای ناشایست توسط دانش آموزان ممکن است ناشی از عوامل متعددی نظیر پرهیز از شکست قدرت طلبی یا انتقام جویی نیز باشد شناخت دلایل رفتار کودک مراجعه اولیا به معلم و مسئولین مدرسه را می طلبد تا با در نظر گرفتن شرایط دانش آموز در



خانه و مدرسه و دقت در نحوه تعامل او با همسالانش برای رفع مشکل مداخله کند و مهارت های رفتاری مناسب را به دانش آموز آموزش دهد و فرصت هایی را برای جبران رفتار اشتباه در اختیار او قرار دهد.

اگر تماس های مدرسه با اولیا مرتبط با ضعف عملکرد درسی باشد، این مسئله باید فوری مورد توجه قرار گیرد. بعضی از دانش آموزان دچار اختلالات یادگیری از جمله اختلال در خواندن و نوشتن هستند بعضی دیگر نیز دچار کمبودهای عاطفی یا اجتماعی می باشند. از طرفی رفتار خاص بعضی از خانواده ها مثل حمایت همه جانبه و بیش از حد فقدان مرزها و محدودیت های زندگی و یا فقر اقتصادی می تواند اثراتی از جمله عدم مسئولیت پذیری و بی اعتمادی به مدرسه را به همراه داشته باشد. بنابراین ملاقات با معلم و کنکاش در مورد وضعیت دانش آموز در مدرسه و به دنبال آن تشخیص علت اصلی ضعف تحصیلی و تهیه برنامه جبرانی مناسب از مهمترین اقدامات به شمار می آید. از آنجا که عقب ماندگی های درسی به صورت تدریجی اتفاق می افتند جهت جبران کمبودها نیز صبر و حوصله و حمایت اولیا از الزامات است.

اگر تماس های مدرسه با اولیا مرتبط با امتناع دانش آموز از رفتن به مدرسه باشد در این مورد نیز اولین قدم برای حل مشکل جستجوی علت بیزاری از مدرسه با همکاری معلم کلاس و مسئولین مدرسه است. از مهمترین دلایل عدم حضور دانش آموزان در مدرسه می توان به کمبود مهارت های دوست یابی افت نمرات درسی و یا وجود رفتارها یا مسائلی در خانواده اشاره کرد. بنابراین اولیا باید نسبت به احساسات و رفتارهای فرزندان خود دقیق بوده و در مورد آنچه در خانه تجربه میکنند و آنچه در مدرسه بر آنان می گذرد حساس باشند و آگاهی کسب نمایند (بازرگان، ۱۳۹۴).

### نتیجه گیری

در چند دهه اخیر همکاری اولیای دانش آموزان با آموزش و پرورش به علت تغییراتی که در ارزش ها و روش های زندگی در جوامع پدید آمده است بیش از پیش محرز شده است. نقش مدارس در آموزش و پرورش امروزی علاوه بر انتقال دانش رشد شخصیتی دانش

آموزان نیز می باشد و معلم امروزی باید برای دانش آموز علاوه بر معلم بودن یک مشاور و هدایتگر نیز باشد. هدایتگری که بتواند با درک شرایط متفاوت خانواده ها پاسخگوی انتظارات دانش آموزان باشد. لکن بدون شناخت خانواده و اولیای دانش آموزان و بدون مشارکت و همکاری آنان معلمان قادر نیستند که به این مهم دست یابند. از طرفی خانواده همواره به عنوان نخستین نهاد تعلیم و تربیت فرزندان مطرح بوده و در شکل گیری شخصیت دانش آموزان نقش اصلی را بر عهده داشته و بر روابطی که دیگر عوامل یا نهادهای اجتماعی از جمله آموزش و پرورش دارد تأثیر می گذارد. معمولاً خانواده هایی که به فرزندان خود و کارهای آنان توجه بیشتر دارند و با نظارت بر فعالیتهای آنها و اختصاص زمان و امکانات لازم حمایت خود را نسبت به فرزندشان مبذول میدارند فرزندان موفق را در مدرسه خواهند داشت. عدم توجه اولیا به سالم سازی محیط روانی و عاطفی دانش آموزان فرزندان را با کمبودهای شدید عاطفی روانی و ارتباطی مواجه می کند و احتمال اینکه در آینده دچار مشکلات روحی و در نهایت شکست تحصیلی شوند بسیار زیاد است.

در هر صورت، برای پیشرفت و توسعه یک همکاری مثمرتر بین مدرسه و خانواده، نیاز به هماهنگی، ارتباط مستمر و آگاهی کافی از نقش ها و توانمندی های هر دو طرف وجود دارد.

## منابع

تقی زاده، علیرضا. (۱۳۹۵). نقش اولیا در پیشبرد اهداف آموزش و پرورش کودکان در مقطع ابتدایی. کنگره علوم اسلامی، علوم انسانی.

بازرگان، زهرا. (۱۳۹۴). مدرسه ای دیگر، چند پیشنهاد برای انجام وظایف درسی در خانه. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان. شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۷۵). راهنمایی و مشاوره کودک، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سمت.

Sandra L. Christenson. (2004). The Family-School Partnership: An Opportunity to Promote the Learning Competence of All Students. Volume 33, 2004 - Issue 1: Special Issue Proceedings of the Multisite Conference on the Future of School Psychology.

Brenda J. Lohman, Jennifer L. Matjasko. (2010). Creating School-Family Partnerships in Adolescence. Handbook of School-Family Partnerships.

James G. Cibulka, William J. Kritek. (1996). Coordination Among Schools, Families, and Communities: Prospects for educational reform.

Joyce L. Epstein and Mavis G. Sanders. (2002). Family, School, and Community Partnerships. Johns Hopkins University.

Robert C. Pianta , Marcia Kraft-Sayre , Sara Rimm-Kaufman , Nancy Gercke , Terri Higgins. (2001). Collaboration in building partnerships between families and schools: The National Center for Early Development and Learning's Kindergarten Transition Intervention. Volume 16, Issue 1, Spring 2001, Pages 117-132.

Ames C., deStefano L., Watkins T., Sheldon S. (1995). Teachers' school-to-home communications and parent involvement: The role of parent perceptions and beliefs. Washington, DC: Center on Families, Communities, Schools and Children's Learning. (Eric Document No. ED383451). Retrieved 28 July 2012, from ERIC database.

Broussard C. A. (2003). Facilitating home-school partnerships for multiethnic families: School social workers collaborating for success. *Children and Schools*, 25(4), 211-222.

Chavkin N. F. (2005). Strategies for preparing educators: To enhance the involvement of diverse families in their children's education. *Multicultural Education*, 13(2), 16-20.

Harris E., Rosenberg H., Wallace A. (2012). Families and expanded learning opportunities: Working together to support children's learning. NCSL & Harvard Family Research Project Brief Series: ELO Research, Policy, and Practice, (2).



## Template for English Abstract (Times New Roman size 14)

**Bahman Salarzahi**

Bachelor of Elementary Education, Farhangian University, Shahid  
Motahari Campus, Zahedan, Iran

**Fatemehzahra Salarzaei**

Bachelor of Elementary Education, Farhangian University, Resalat  
Campus, Zahedan, Iran

**Mehdi Salarzahi**

Bachelor of Elementary Education, Farhangian University, Shahid Motahari Campus, Zahedan, Iran

**Mohammadali Pirkamali**

Doctorate in Curriculum Planning, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran

### 1-1- Abstract

In elementary schools, there are many challenges and opportunities in working with students' families. Investigating these challenges and opportunities requires research. In this research, the main goal is to investigate the factors that are influential in the relationship between schools and families and to identify the challenges and opportunities related to them. In many ways, this cooperation can facilitate the improvement of children's learning and individual development and lead the educational process of students to progress. One of the challenges can be the correct understanding of the role of parents and family in the process of education. In addition, establishing continuous and efficient communication with parents and families requires coordination and active cooperation from the school. Some cooperation opportunities include providing information about educational and educational programs, joint events, continuous communication, inviting parents to participate, etc. This cooperation can ultimately increase the interaction between the school and families, improve family relationships and the academic progress of students.

**1-2- Keywords:** Challenge, opportunity, elementary schools, cooperation, family